

زنده‌رودی گران‌ترین هنرمند حراج

گروه فرهنگ: بیست‌وسومین دوره حراج تهران که به آثار هنر معاصر ایران اختصاص داشت، روز اول خردادماه ۱۴۰۴ در هتل پارسیان آزادی برگزار شد و توانست با فروش ۹۷ اثر به مبلغ ۱۷۴ میلیارد و ۹۲۲ میلیون تومان، رکورد قابل توجهی در هنر معاصر ایران ثبت کند. به گزارش روابط عمومی حراج تهران؛ بیست‌وسومین حراج تهران عصر روز پنج‌شنبه اول خردادماه با حضور جمعی از مجموعه‌داران، خریداران و اصحاب رسانه با اجرای شه‌ریار ربانی برگزار شد؛ درحالی‌که عده زیادی از دنبال‌کنندگان این حراج، این رویداد را از طریق بستر آنلاین در سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی مشاهده کردند. در حراج بیست‌وسوم، ۱۰۰ اثر شامل ۸۶ اثر نقاشی و ۱۴ مجسمه، به هنردوستان ارائه‌شد که درنهایت ۹۷ اثر به فروش رسیدند. همچنین فروش بیش از ۹۷ درصد آثار این رویداد نشان‌دهنده استقبال مجموعه‌داران هنری از آفرینش‌های هنرمندان ایرانی و متضمن موفقیت‌بیشتر هنر معاصر ایران است.

از دیگر ویژگی‌های بیست‌وسومین حراج تهران این بود که به‌طور گسترده‌تری به هنر معاصر ایران اختصاص داشت و بدون حضور برخی چهره‌های مطرح و تثبیت‌شده هنر ایران مثل سهراب سپهری، بهمن محصص و... آثار هنرمندان جوان و معاصر هم مورد اقبال مجموعه‌داران هنری قرار گرفت. فروش ۱۷۴ میلیارد و ۹۲۲ میلیون تومانی حراج تهران در بیست‌وسومین دوره نشان داد که این رویداد اقتصادی هنر، به هدف خود در زمینه رونق مارکت هنر کشور و ایجاد شرایط برای معرفی چهره‌های جدید به مارکت هنر ایران دست یافته است. در بیست‌وسومین حراج تهران ۱۰۰ اثر از ۹۷ هنرمند، عرضه شد که ۹۷ اثر فروخته شدند. در این دوره از حراج تهران ۳۸ اثر با برآورد میلیاردی به مجموعه‌داران ایرانی پیشنهاد شد و در پایان این دوره از مزایده ۴۰ اثر بالای یک میلیارد چکش خوردند. رکورد این دوره حراج به تابلو حسین زنده‌رودی با عنوان «اندام» به قیمت ۱۴ میلیارد و ۳۰۰ (با احتساب ۱۰ درصد مالیات) میلیون اختصاص پیدا کرد و پس از آن، اثر «بدون عنوان» مسعود عربشاهی به مبلغ ۱۱ میلیارد و ۶۶۰ میلیون، در جایگاه دوم ذی‌قیمت‌ترین آثار بیست‌وسومین حراج تهران قرار گرفت. مجسمه «سمت پنهان» سه‌ند حسامیان از هنرمندان جوان کشور نیز به مبلغ ۱۰ میلیارد و ۱۲۰ میلیون تومان در جایگاه سوم ایستاد. اثر «توپ آینه‌ای» از منیر فرمانفرماییان به مبلغ هفت میلیارد و ۹۲۰ میلیون و اثر «بدون عنوان» از کوروش شیشه‌گران به قیمت هفت میلیارد و ۴۸۰ میلیون نیز در جایگاه‌های چهارم و پنجم رکوردداران این دوره از حراج قرار گرفتند.

در بیست‌وسومین حراج تهران، ۴۰ اثر با قیمت بالای یک میلیارد به فروش رسیدند که پس از پنج رکورد نخست حراج، تابلویی از آیدین آغداشلو شش میلیارد و ۸۲۰ میلیون چکش خورد. مجسمه «هیچ سیاه» از پرویز تناولی شش میلیارد و ۶۰۰ میلیون و تابلویی از پرویز کلانتری شش میلیارد و ۶۰۰ میلیون فروخته‌شدند.

انثری از سیراک ملکونیان پنج میلیارد و ۷۲۰ میلیون، تابلویی از محمد احصایی چهار میلیارد و ۴۰۰ میلیون، نقاشی خطی از نصرالله افجه‌ای چهار میلیارد و ۴۰۰ میلیون و آثار رضامفی سه میلیارد و ۸۵۰ میلیون، منوچهر یکتایی سه میلیارد و ۶۳۰ میلیون، حسین کاظمی سه میلیارد و ۶۳۰ میلیون، محمود زنده‌رودی سه میلیارد و ۵۲۰ میلیون، منوچهر نیازی سه میلیارد و ۴۱۰ میلیون و صادق تبریزی سه میلیارد و ۱۹۰ میلیون، چکش خوردند.

همچنین آثاری از منصور قندریز یک میلیارد و ۸۷۰ میلیون، صداقت جباری یک میلیارد و ۶۵۰ میلیون و عبدالرصادریابیگی یک‌میلیارد و ۶۵۰میلیون، سایر آثار میلیاردی حراج بیست‌وسوم بودند. در بیست‌وسومین حراج تهران ۲۱ اثر بین یک میلیارد تا ۵۰۰ میلیون تومان چکش خوردند که با بیشترین رقابت از سوی خریداران مواجه شدند. ۳۶ اثر بیست‌وسومین حراج تهران نیز کمتر از ۵۰۰ میلیون تومان به فروش رسیدند که طیف گسترده‌ای از آثار هنری این دوره‌ی از حراج را شامل می‌شد. ضمن آنکه سه اثر از منوچهر یکتایی، شیرین انتحادیه و رضا نصرتی در این دوره از حراج تهران خریداری‌نداشتند.



فرهنگ

CULTURE

۱۱۴

از نفسی افتاده*

بررسی جشنواره فیلم کن ۲۰۲۵ و مقایسه آن با روزهای پرالتهاب فرانسه در ۱۹۶۸



فرید ناصر

فیلمساز و کارشناسی‌ارشد ادبیات نمایشی

جشنواره فیلم کن همواره به‌عنوان ویتربینی برای نمایش سرآمدترین آثار سینمایی جهان و حواشی آن همیشه‌بازتاب‌دهنده مسائل اجتماعی، سیاسی و مقایسه‌ دو دوره مهم در تاریخ این جشنواره نوشته به بررسی و مقایسه‌ دو دوره مهم در تاریخ این جشنواره می‌پردازد: سال ۱۹۶۸ که با اعتراضات گسترده در فرانسه همراه بود و تأثیر عمیقی بر روند برگزاری جشنواره گذاشت و سال ۲۰۲۵ که در دوران معاصر با چالش‌ها و تحولات خاص خود برگزار شده است. با بررسی این دو دوره متمایز، می‌توان درک عمیق‌تری از چگونگی تأثیر نیروهای خارجی و پویایی (یا ناپویایی)‌های داخلی بر این رویداد معتبر سینمایی به دست آورد.

▼ جشنواره فیلم کن ۱۹۶۸؛ جشنواره‌ای که انقلاب آن را متوقف کرد

ماه مه ۱۹۶۸ در فرانسه شاهد موجی از ناآرامی‌های اجتماعی و سیاسی بود که با اعتراضات گسترده دانشجویان و اعتصابات کارگران به اوج خود رسید و کشور را عملاً به حالت تعطیل درآورد. این جنبش‌ها که ناشی از نارضایتی از دولت محافظه‌کار شارل دوگل، همچنین خواسته‌هایی برای تغییرات اجتماعی و سیاسی بودند، فضایی از انقلاب و سرخوردگی ایجاد کردند که بسیار فراتر از خیابان‌های پاریس گسترش یافت. این اعتراضات نه‌ت‌ها به مسائل سیاسی خاص محدود نمی‌شد، بلکه پرسشی اساسی درباره اقتدار و هنجارهای اجتماعی موجود را نیز مطرح می‌کرد که به‌طور خاص با جامعه هنری و چالش‌های آنان در برابر سنت‌های سینمایی همخوانی داشت.

▼ جنبش موج نوی فرانسه و همسویی آن با ناآرامی‌های اجتماعی

موج نو، جنبش سینمایی مهمی بود که در اواخر دهه ۱۹۵۰ در فرانسه ظهور کرد و با رد قراردادهای سنتی فیلمسازی و استقبال از تجربی‌گرایی و تفسیر اجتماعی مشخص می‌شد. تا سال ۱۹۶۸، چهره‌های کلیدی این جنبش مانند ژان لوک گدار و فرانسوا تروفو، به‌دلیل فیلمسازی متعهدانه سیاسی و تمایل خودبه‌چالش کشیدن وضع موجود، هم در صنعت فیلم و هم در جامعه گسترده‌تر، شناخته شده بودند. روحیه سرکش ذاتی موج نو و تمایل آن به پرداختن به مسائل اجتماعی، چهره‌های کلیدی آن را به متحدان طبیعی جنبش‌های دانشجویی و کارگری تبدیل کرد. اقدامات آنان در کن را می‌توان به‌عنوان امتدادی مستقیم از باورهای هنری و سیاسی‌شان تلقی کرد. تأکید این جنبش بر شکستن سنت‌ها، چارچوبی برای اقدامات مخرب در جشنواره فراهم کرد؛ زیرا آنان هنجارهای تثبیت‌شده جشنواره را بخشی از همان سیستمی می‌دانستند که در فیلمسازی خود به چالش می‌کشیدند. این جنبش همچنین حس اجتماع و هدف مشترک را در میان این فیلمسازان تقویت و امکان اعتراض هماهنگ و تأثیرگذار را فراهم آورد.

▼ چهره‌های کلیدی و اقدامات آنان

چهره‌های بر جسته موج نو، به‌ویژه ژان لوک گدار و فرانسوا تروفو، نقش محوری در اعتراض به جشنواره فیلم کن در همبستگی با دانشجویان و کارگران اعتصابی در سراسر فرانسه ایفا کردند. آنان استدلال کردند که ادامه جشنواره با تمام تفریحات معمول آن در میان بحران ملی نامناسب است و خواستار تعطیلی آن به‌عنوان نشانه همبستگی شدند و از سایر فیلمسازان و اعضای هیئت‌داوران خواستند تا به این هدف بپیوندند. اقدامات مستقیم و مقابله‌جویانه گدار و تروفو، عمق تعهد آنان به جنبش‌های اعتراضی را نشان می‌دهد، زیرا نقش خود را به‌عنوان هنرمند جدای از مسئولیت‌هایشان به‌عنوان شهروند نمی‌دانستند. نفوذ آنان در صنعت فیلم، فراخوان همبستگی‌شان را تأثیرگذار کرد و منجر به استعفاها و انصراف فیلم‌ها شد. اعتراض آنان همچنین علیه بی‌ربطی ظاهری سینمای جریان اصلی در مواجهه با آشنفگی‌های اجتماعی بود و آنان خواستار سینمایی بودند که بیشتر با واقعیت‌های جهان درگیر باشد. اقدامات آنان، اگر چه حتی در آن زمان نیز بحث‌برانگیز بود، اما درنهایت منجر به لحظاتی مهم در تاریخ جشنواره شد و قدرت هنرمندان در تأثیرگذاری بر رویدادهای فرهنگی و حتی سیاسی را نشان داد.

▼ رویدادهای منتهی به لغو جشنواره

اعتراضات به رهبری کارگردانان موج نو و متحدان‌شان به‌سرعت تشدید شد و اثر دومینیوی ایجاد کرد که درنهایت منجر به لغو جشنواره فیلم کن ۱۹۶۸ شد. رویدادهای کلیدی شامل استعفای اعضای هیئت‌داوران در همبستگی، انصراف فیلم‌ها از رقابت توسط کارگردانانی که از این جنبش حمایت می‌کردند و اختلال فیزیکی در نمایش فیلم‌ها توسط فیلمسازان معترض بود که درنهایت منجر به توقف پیش از موعد جشنواره توسط برگزارکنندگان آن شد. استعفای اعضای هیئت‌داوران مانند لوئیس مال و رومن پولانسکی و انصراف فیلم‌ها توسط کارگردانانی چون کارلوس سائورا، آل رنه و میلوش فورمن از جمله این اقدامات بود. همچنین اختلال فیزیکی در نمایش فیلم «انتعاج تند»، کارلوس سائورا توسط سائورا و بازیگر نقش اولش جرالدین چاپلین، به همراه گدار و تروفو، شدت درگیری را نشان داد. درنهایت جشنواره در ۱۹ مه بدون اهدای هیچ جایزه‌ای، رسماً تعطیل شد که تنها باری در تاریخ آن بود که به این شکل متوقف می‌شد. همچنین اعتراضات اولیه در فوریه ۱۹۶۸ در مورد برکناری هنری لانگلو از سینماتک فرانسه به‌عنوان پیش‌زمینه‌ای مهم برای این رویدادها قابل ذکر است. زیرا لانگلو از احترام زیادی در میان کارگردانان موج نو بر خوردار بود. این درگیری اولیه زمینه را برای اعتراضات بعدی در ماه مه فراهم کرد. لغو جشنواره، نشان‌دهنده قدرت و نفوذ قابل توجه کارگردانان موج نوی فرانسه و توانایی آنان در بسیج حمایت در جامعه فیلم بود و بر ارتباط متقابل حوزه‌های هنری و سیاسی تأکید داشت. این رویداد همچنین آسیب‌پذیری جشنواره در برابر بحران‌های اجتماعی-سیاسی خارجی را نشان داد و ثابت کرد که حتی یک رویداد معتبر بین‌المللی نیز نمی‌تواند در برابر آشفتگی‌های گسترده اجتماعی مصون بماند. فقدان جوایز در سال ۱۹۶۸ بر ماهیت بی‌سابقه این اختلال و فروپاشی کامل عملکرد عادی جشنواره تأکید داشت. «ماجرای لانگلو» نیز تنش‌های از پیش موجود بین جامعه هنری و نهادهای قدرت را آشکار کرد که احتمالاً به اعتراضات بعدی در ماه مه، دامن زد و نشان داد که رویدادهای ماه مه کاملاً خودجوش نبودند، بلکه بر نارضایتی‌های قبلی و حس همبستگی در جامعه فیلم استوار بودند. اقدامات فیلمسازان، اگر چه در آن زمان بحث‌برانگیز بود، درنهایت منجر به تحول جشنواره و استقبال از فیلم‌های معاصرتر با مضامین انقلابی در سال بعد شد.

▼ جشنواره فیلم کن ۲۰۲۵؛ نحوه مواجهه با چالش‌های معاصر

انتخاب رسمی جشنواره فیلم کن هر ساله طیف متنوعی از سینمای بین‌المللی را در دسته‌های مختلف به‌نمایش می‌گذارد، از آثار جدید کارگردانان مشهور گرفته تا اولین فیلم‌های امیدوارکننده فیلمسازان نوظهور. با این حال، مانند هر جشنواره بزرگ دیگری که تعداد محدودی جایگاه دارد، فرآیند انتخاب ناگزیر منجر به غیبت‌ها و ردی‌های قابل توجهی می‌شود و بحث‌هایی را در صنعت فیلم و در میان سینه‌فیل‌ها در مورد معیارهای انتخاب و فیلم‌هایی که ممکن است نادیده گرفته شده باشند، برمی‌انگیزد. از سوی دیگر، غیبت (عدم انتخاب) فیلم «پدر مادر خواهر برادر» ساخته جیم جارموش با بازی کیت بلانشت و آدام درایور -به‌ویژه از بخش رقابت اصلی- قابل توجه بوده و احتمالاً در جشنواره فیلم ونیز به نمایش در خواهد آمد. ریچارد لینکلین نیز در ابتدا انگران بود که فیلم‌اش «موج نو» که به جنبش موج نوی فرانسه می‌پردازد، به‌دلیل ملیت آمریکایی‌اش در فرانسه رد شود که نشان‌دهنده تعامل پیچیده هویت ملی و پذیرش فیلم است. همچنین به ردی‌های احتمالی دیگر، از جمله فیلم‌هایی از کریم عینوز، سلین سانگ و گرگ آراکی، اشاره شده است که نشان‌دهنده رقابت شدید برای حضور و هالیوودی شدن بیش از پیش این جشنواره است.

تلاش معتذرضان برای لغو جشنواره کن در مه ۱۹۶۸/ عکس: AP

▼ حضور و استقبال پیش‌بینی‌شده از تولیدات هالیوود

فیلم‌های هالیوود همواره بخش مهمی از جشنواره فیلم کن بوده‌اند و اغلب باعث ایجاد شور و هیجان، حضور ستاره‌ها و توجه رسانه‌ها می‌شوند. جشنواره ۲۰۲۵ نیز از این قاعده مستثنی نیست و ترکیبی از تولیدات استودیویی پر هزینه و فیلم‌های مستقل آمریکایی را در بخش‌های مختلف جشنواره به نمایش می‌گذارد که نشان‌دهنده علاقه پایدار، هم برگزارکنندگان جشنواره، هم صنعت هالیوود به این رویداد بین‌المللی است. فیلم «ماموریت غیرممکن- محاسبه نهایی» به کارگردانی کریستوفر مک‌کوری و با بازی تام کروز، عجیب‌ترین انتخاب این جشنواره است که در بخش خارج از مسابقه به نمایش درمی‌آید. دیگر فیلم‌های آمریکایی که برای بخش رقابت اصلی انتخاب شده‌اند عبارتند از: «ادینگتون» ساخته آری استر، «عزیز بمبر» ساخته لین رمزی، «استاد دهر» ساخته کلی ریچارد و «طرح فنیقی» ساخته وس اندرسون. فیلم «عزیزم، بیخیال! ۱» ساخته ایتان کوشن نیز در بخش نمایش‌های نیمه‌شب قرار دارد. اولین تجربه‌های کارگردانی بازیگران آمریکایی؛ اسکارلت جوהانسون با فیلم «النور بزرگ» و کریستن استورات با فیلم «گاهشماری آب»، در بخش نوعی نگاه (!) گنجانده شده‌اند. فیلم «بالازین تا پایین‌ترین» ساخته اسپایک لی نیز در بخش خارج از مسابقه حضور دارد. فیلم «یک روز مرخصی»، یک عاشقانه فرانسوی ساخته آمیلی تونین، فیلم افتتاحیه جشنواره بود و پیش از نمایش‌های اصلی هالیوود به روی پرده رفت.

▼ مضامین اجتماعی و سیاسی مشهود در انتخاب ۲۰۲۵ و فضای جشنواره

جشنواره فیلم کن ۲۰۲۵، اگر چه با همان سطح اختلال مستقیم سال ۱۹۶۸ مواجه نیست، اما همچنان از طریق انتخاب فیلم‌هایش و بحث‌ها و رویدادهای پیرامون جشنواره مشهود است که بازتاب‌دهنده نگرانی‌های اجتماعی و سیاسی معاصر نیست. مضامینی چون تنش‌های سیاسی، مسائل عدالت اجتماعی، درگیری‌های جهانی و نقش هنرمندان در جامعه به‌نظر می‌رسد، باید برجسته می‌مود؛ چراکه افراد پیش‌رویی مثل ژان لوک گدار، در گذشته موضع‌های قاطع و مشخصی در قبال ظلم به مردم غزه و جنگ به‌طور عموم داشته است. رابرت دنیرو در سخنرانی پذیرش جایزه نخل طلای افتخاری خود از دونالد ترامپ، رئیس جمهور ایالات متحده، به‌دلیل سیاست‌هایش در قبال هنر و فیلم بین‌المللی انتقاد کرد تا شاید رفع تکلیف کرده و قرض‌ورزی‌های شخصی و تجاری استودیوها را به گوش رسانه‌ها رسانده باشد. جشنواره با یک‌روز ویژه با عنوان «روز اوکراین» آغاز شد که در آن سه فیلم مستند درباره درگیری جاری در اوکراین به نمایش درآمد و بر تعهد جشنواره به برجسته‌کردن مسائل ژئوپلیتیکی جهانی تأکید شد. البته احتمالاً جهت خالی نبودن عریضه! تعداد قابل توجهی از متخصصان صنعت فیلم (بیش از ۳۵۰ نفر) نامه سرگشاده‌ای منتشر کردند و نگرانی‌های خود را در مورد «نسل‌کشی در غزه» ابراز داشتند و از نهادهای سینمایی خواستند تا موضع فعال‌تری اتخاذ کنند که نشان‌دهنده آگاهی و تعامل قوی با درگیری اسرائیل و فلسطین است. پدرو پاسکال در کنفرانس مطبوعاتی فیلم خود «ادینگتون» که به موضوعات سیاسی ایالات متحده از جمله کوئید-۱۹، مهاجرت و تئوری‌های توطئه می‌پردازد، بر اهمیت ادامه روایت داستان‌ها توسط هنرمندان در مواجهه با ترس و هرج و مرج سیاسی تأکید کرد. (به همین میزان بی‌خطر!) جشنواره همچنین شاهد بحث‌ها و برخی اختلافات در مورد پروتکل‌های به‌روز نشده پوشش، از جمله ممنوعیت برهنگی و لباس‌های حجیم در فرش قرمز بود که بازتاب‌دهنده هنجارها و انتظارات اجتماعی در حال تحول است. هرچند باید خاطرنشان کرد که فرش قرمز کن سال‌هاست تبدیل به فشن شو و از نظر تبلیغات برندها، تبدیل به چیزی شبیه به کناره‌های زمین فوتبال شده است. علاوه بر این، گروه کوچکی از کارکنان مستقل فیلم برای دومین سال